

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد
همه سر به سر تن به کشتن د هيم
بدین بوم وېر زنده یک تن مېباد
از آن به که کشور به دشمن د هيم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

استاد محمد نسیم «اسیر»

یادِ نره

ای سخن پرداز، ترتیب سخن یادِ نره هر چه می گوئی بگو، اما وطن یادِ نره
گر ز خود گردد فراموش ز من یادِ نره از من محزون پر رنج و مَحَن یادِ نره
قصه های نو اگر گفتی، کهن یادِ نره
ما کهن سالان به سودای کهن افتاده ایم دور از آغوش زیبای وطن افتاده ایم
از چمن بیرون تو گوئی در لجن افتاده ایم زنده ایم اما به وسواس کفن افتاده ایم
زین گروه بی خبر از خویشتن یادِ نره
از وطن گفتم، همان باغ جنان آمد به یاد رفعت خورشید در هفت آسمان آمد به یاد
کابل با شوکت و والانشان آمد به یاد چلستون و قرغه و دارالامان آمد به یاد
من اگر گفتم، ترا هم این سخن یادِ نره
جابر انصار و پنجه شاه و شودا دیدنیست ارغوان در دامن خواجه صفا بالیدنیست
آب صاف از چشمه دلاکها نوشیدنیست لاله در شهر مزاراز هر طرف روئیدنیست
در بهاران دامن دشت و دمن یادِ نره
قسمت ما و تو امریکا و المان بوده است قسمت جمعیتی هجرت به ایران بوده است
رنج پاکستان و آزار فراوان بوده است گرچه مارا زندگی پررنگ والوان بوده است
کوچه بارانه و دان چمن یادِ نره

ای که دایم می خوری از پول مفت سوسیال چُس دماغی می کنی دایم سرِ اهل و عیال
می شوی درخانه مردم موجب رنج و ملال لاغری و مُردنی گردیده ای مانند نال
هوش کن که مصرف گور و کفن یادت نره

مردسالاری به ملک ما چه طوفان می کند مرد در هرکوچه و پسکوچه جولان می کند
با کلاشینکوف صد جور نمایان می کند مجمع بین الملل تکرار اعلان می کند
کای طرفدار حق ، آخر حق زن یادت نره

ای یگانه قدرت دنیا ، کنون دوران توست مشکل دنیا به زور و زر همه آسان توست
تاجداران جهان در حکم و در فرمان توست وضع عالم درهم از مفکوره پاشان توست
سخت می ترسم که آقای چین یادت نره

ماترا با خون خود آقای عالم ساختیم خاطرت را از بلای دشمنان جم ساختیم
پیشواز و پیشوای نسل آدم ساختیم بر تو افزودیم و از آرام خود کم ساختیم
می زنی در جان ما با مکرو فن یادت نره

گوش تو باز است اما چشم ، نابینا و کور صلح راباجنگ میخواهی و راحت را بزور
باغ را ویرانه کردی ، راغ را مانند گور بهر تو هشدار دادن ها ضرور است و ضرور
تا خدای ذوالجلال و ذوالمنن یادت نره

گشته این دنیا سراسر منبع شر و فساد آب میجوشد چو آتش ، خاک میبارد چو باد
پیشگامان سست عزم و پیشوایان کج نهاد داد خواهان را نمی بینم رسیدن کس به داد
روز روز محشر است این حرف من یادت نره

یوسف کهزاد یار خوب و دیرین من است همدم خوش مشرب وهم فکرو آئین من است
چند بیت شعر خوب او به تضمین من است از "اسیر" ار بشنوی این حرف دیرین من است
شعرهای ناب این شیرین سخن یادت نره

(فرانکفورت - جون 2004)